

## در حمایت از مبارزه کارگران شرکت واحد!

بهرام رحمانی

[bamdadpress@telia.com](mailto:bamdadpress@telia.com)

کارگران ایران، از دیر باز که به فکر برپایی نخستین تشکل‌های مستقل خود افتادند با سرکوب‌های خونین رژیم پهلوی روبه‌رو شدند. پس از انقلاب ۱۳۵۷، که در آن مردم محروم و تحت ستم و آزادی‌خواه و کارگران، به ویژه کارگران قهرمان صنایع نفت، با هدف برقراری آزادی، برابری، عدالت و رفاه اجتماعی رژیم پهلوی را سرنگون کردند، اما به دلیل عدم تشکل ضدسرمایه‌داری و احزاب و سازمان‌های با تجربه کارگری کمونیستی، جمهوری اسلامی از دل چرکین رژیم پهلوی سر برآورد، بار دیگر طبقه کارگر و مردم آزادی‌خواه با سرکوب رژیم تازه به حاکمیت رسیده فاشیسم اسلامی مواجه گردیدند. بنابراین طبقه کارگر ایران، دست‌کم در هشتاد سال گذشته دو رژیم سرمایه‌داری دیکتاتور و ضدکارگر «ملی و مذهبی» را تجربه کرده است.

در سال‌های اخیر کارگران با هدف برپایی تشکل‌های مستقل ضدسرمایه‌داری خود عزم کرده‌اند که این بار با سازمان‌دهی انقلاب دیگری سیستم سرمایه‌داری و رژیم حامی سرمایه را سرنگون و حکومت آزاد، برابر، انسانی و شاد خود را برپا دارد و به کلیه اشکال ستم، نابرابری، تبعیض و استثمار انسان از انسان خاتمه دهد. جامعه نوینی بسازد که در آن حرمت انسان و آزادی‌های فردی و اجتماعی بالاتر از هرگونه مصلحت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باشد.

اکنون در مقطع سالگرد انقلاب بهمن ۱۳۵۷، همه تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهان و منطقه تلاطم خاورمیانه و ایران نشان می‌دهد که جامعه ایران، برای رهایی از شبخ محاصره اقتصادی و حمله نظامی، اختناق و سرکوب، وحشت و ترور، شکنجه و اعدام و فقر و فلاکت، بیش از هر زمان دیگری از تاریخ ایران به یک انقلاب اجتماعی نیاز دارد. چنین انقلابی نه تنها به نفع اکثریت جامعه ایران و منطقه خاورمیانه، بلکه حتا به نفع مردم آزادی‌خواه جهان نیز خواهد بود.

جمهوری اسلامی، پس از یورش به کارگران خاتون‌آباد و کشتن و زخمی کردن ده‌ها کارگر، یورش به تظاهرات اول ماه مه ۸۳ سقز و ادامه محاکمه ۷ تن از فعالین سرشناس جنبش کارگری ضدسرمایه‌داری ایران، اکنون نیز به وحشیانه‌ترین شکلی به تشکل و اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یورش برده است و در طول کمتر از یک هفته بیش از یک هزار نفر از اعتصابیون و اعضای سندیکا را دستگیر و زیر بازجویی و شکنجه قرار داده است.

نیروی‌های سرکوبگر جمهوری اسلامی، وحشی‌گری را به جایی رسانده‌اند که شبانه به حریم منازل اعضای دستگیرشده هیئت ریسه‌سندیکا، با شکستن در و پیکر و پرتاب گاز اشک‌آور شبیخون زدند؛ همسران و بچه‌های کارگران دستگیرشده را با آفریدن رعب و وحشت مورد ضرب و شتم قرار دادند. اطلاعیه‌های دروغین توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، برای انحراف افکار عمومی توزیع گردید.

مهدیه سلیمی، دختر ۱۲ ساله یعقوب سلیمی، شرح ضرب و شتم خانواده خود را در رادیو آوای آشنا، چنین توصیف کرد:

«ما خواب بودیم. یک هو زنگ زدند... تا مادرم در را باز کرد ریختند توی خانه... پتو را از روی ما برداشتند و با پا و دست همه‌اش ما را می‌زدند و بعد گفتند باید سوار مینی‌بوس شوید. خانم رضوی می‌خواست بچه را ببرد. این قدر این‌ها را زدند. حتی مادرم را این‌قدر با پوتین به قلبش زدند که قلبش خیلی درد می‌کرد. چوبی دستشان بود هر چی مادرم کمک می‌خواست محل نگذاشتند. می‌خواستند جلوی دهان خواهرم اسپری بزنند. جایی که رفتیم بهداشتی نبود. خیلی سرد بود. می‌گفتیم پتو بیاورید می‌گفتند پتو نداریم. ما ماموریم و معذوریم. ته مانده ناهار خودشان را برای ما می‌آوردند... فقط سه زن در خانه بودند با ۵ بچه. خونه همسایه‌ها رفتند. میهمان‌های همسایه‌های طبقه بالا را می‌خواستند ببرند... حتی بچه کلاس اول را هم زدند... پدرم حق خودش را خود خواسته... وقتی مادرم را می‌خواستند ببرند حتی نگذاشتند ما را بغل کند... من و خواهرم که من ۱۲ سال و خواهرم ۲ سال دارد... چیزی که می‌خواهم این است که از ما دفاع کنند. یک کاری کنند که مادرم آزاد شود.»

یعقوب سلیمی، که به علت صدماتی که به فرزندان خردسال و خانواده‌اش وارده آمده و به شدت متاثر بود، در یک مصاحبه رادیویی گفت: «سربازان اسرائیلی پیش این‌ها رو سفید شدند. احمدی نژاد، که در جلسه‌های بین‌المللی می‌گوید این‌جا حقوق بشر رعایت می‌شود بیا بید ببیند چطور شب‌ها زن و بچه مردم را به اسیری می‌برند. مگر این‌جا فلسطین است. مگر ما حقوقی نداریم و این‌ها از سربازان اسرائیلی بدتر کردند. ببخشید سینه‌ام گرفته. من ناسلامتی معلول جنگی‌ام. شیمیایی جنگی‌ام...»

سلیمی، در مصاحبه با رایو فردا، در پاسخ به این سؤال که گفته می‌شود چند کودک به همراه مادرانشان به زندان برده شده‌اند و آیا هنوز در زندان هستند یانه گفت: «یکی از آن‌ها بچه خودم بود. مثل این‌که آن‌جا فشار زیادی روی مادرانشان آورده بودند، این‌ها تحت تاثیر قرار گرفته بودند، و روی روحیه آن‌ها تاثیر گذاشته شده بود. حالا چطور شده... آزادشان کردند. بچه‌ام دیشب آمده بود خانه، بچه کوچک من دو سالش است. صورتش زخم بود. ازش پرسیدم... (به گریه می‌افتد) هیچ‌وقت تا حالا من در زندگی‌ام گریه نکرده‌ام ولی بچه دوساله را با گاز اشک‌آور زدند و صورتش را زخم کردند، گریه‌ام می‌اندازد.»

بدین ترتیب جمهوری اسلامی، با هجوم وحشیانه به اعتصاب کارگران شرکت واحد و زن و بچه فعالین آن، برگ سیاه دیگری به جنایت‌های خود در ۲۶ سال اخیر افزود؛ جنایتی که جامعه کارگری و مردم آزاده ایران، نه تنها آن را فراموش نخواهند کرد، بلکه عزم و اراده آن‌ها را برای برچیدن بساط این رژیم جانی راسخ‌تر نیز ساخته است.

قطعا این حملات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی را نباید بی‌جواب گذاشت. وقت آن رسیده است که همه بخش‌های جنبش کارگری و جوانان و دانشجویان، زنان و روشنفکران و روزنامه‌نگاران مترقی و پیشرو در داخل و خارج کشور، فعالانه در اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت واحد و همبستگی با آنان شرکت کنند و تا آزادی همه دستگیرشدگان اخیر، لغو احکام دستگیرشدگان اول ماه مه ۱۳۸۳ سقز، آزادی تشکل، اعتصاب و بیان، به عناوین مختلف به اعتصاب و اعتراض خود ادامه دهند و از پای ننشینند.

برای پیشبرد امر مبارزاتی چنین حرکت عظیمی، مناسب‌ترین شیوه سازمان‌دهی برگزاری مجامع عمومی منظم است. این شیوه از سازمان‌دهی هم‌پشتوانه توده‌ای برای رهبران و سازمان‌دهندگان اعتصابات و رهبری حرکت‌های اعتراضی دارد و هم جلو لغزش و خطای آنان را می‌گیرد. مهم‌تر از همه رژیم نمی‌تواند فعالین و رهبران چنین حرکتی را تحت تعقیب قرار دهد. ما این تجربه زنده را در اعتصاب چندین ماه پیش کارگران نساجی کردستان دیدیم. نمایندگان کارگران نساجی کردستان، با کارفرمایان و نمایندگان رژیم مذاکره می‌کردند و نتایج این مذاکرات را به مجمع عمومی می‌آوردند که در آن‌جا تصمیم جمعی گرفته و جمعی هم پیش برده می‌شد. این رمز موفقیت و نقطه قوت کارگران نساجی کردستان بود.

در چنین شرایط خطیری که احتمال دارد ایران در محاصره اقتصادی و یا حمله نظامی آمریکا و متحدانش قرار گیرد، تقویت مبارزه صنفی - سیاسی کارگران و مردم آزادی‌خواه ایران و جلب همبستگی بین‌المللی با مبارزات آنان، وظیفه داوطلبانه انسانی، اجتماعی و سیاسی ایرانیان آگاه، انسان‌دوست و مبارز خارج کشور است.

البته در چنین شرایطی جریانات مرتجع و راست، به ویژه ته‌مانده‌های رژیم سرنگون شده سلطنتی، با ریاکاری سعی می‌کنند خود را طرفدار مبارزه کارگران و مردم محروم و تحت ستم نشان دهند تا بدین طریق برای خود آبرو بخرند. هنگامی که دست‌شان رو می‌شود در رسانه‌های خود هر آنچه که به دهانشان می‌آید نثار جنبش کارگری کمونیستی می‌کنند.

بی‌شک تحمیل مطالبات کارگران شرکت واحد به سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه‌داران نه تنها به نفع کل جنبش کارگری، بلکه به نفع کل جامعه آزادی‌خواه ایران است و فضای سیاسی و اجتماعی برای متحد و متشکل شدن و برداشتن گام‌های محکم‌تر مساعدتر می‌سازد. مسلماً به هر نسبتی که کارگران حق تشکل مستقل، اعتصاب و بیان خود را به سرمایه‌داران و رژیم حامی سرمایه‌داران تحمیل کنند، به همان نسبت نیز فضای فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی در کل جامعه ایران برای فعل و انفعال جنبش‌های حقیقی دیگر نیز بازتر و سهل‌تر می‌شود.

ایستادگی و مقاومت کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تا همین‌جا نیز قابل تقدیر و تجارب ارزنده‌ای نیز از خود بر جای گذاشته است. توهم برخی از فعالین سندیکای شرکت واحد، به وعده و وعیدهای پوچ و بی‌پایه کارفرمایان و مقامات رژیم کم‌تر و کمتر شده است.

امروز حتا متوهم‌ترین کارگران هم در عمل دیدند که چگونه سرمایه‌داران و رژیم آن‌ها با تشکل‌های مستقل کارگری خصومت و دشمنی می‌ورزند. چرا که قدرت طبقه کارگر در اتحاد و همبستگی و مبارزه متشکل و هدفمند علیه سیستم سرمایه‌داری آن است.

بدین ترتیب کارگران پیشرو و سوسیالیست، فعالین احزاب و سازمان‌های آزادی‌خواه و چپ و کمونیست، چه در داخل کشور با در نظر گرفتن کلیه موازین امنیتی، و چه در خارج کشور به طور صریح با تاکید به سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی، صدای خود را هر چه بیشتر برای آزادی فوری و بدون قید و شرط اسانلو و همه کارگران دستگیر شده حرکت‌های اخیر سندیکای اتوبوسرانی تهران، بازگشت بدون قید و شرط همه آنان به سر کار، لغو احکام دستگیرشدگان اول ماه مه سقز، و آزادی تشکل مستقل، آزادی اعتصاب و تجمع و آزادی بیان و... رساتر سازند.

ششم فوریه ۲۰۰۶